



اِبرار و سوره انسان با توجه به روایات

دکتر عباس اسماعیلی زاده^۱

مریم نَساج^۲

(صفحه: ۷-۲۵)

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۳

چکیده

برخی از آیات قرآن در شأن اهل بیت (ع) است. از جمله، آیات سوره انسان که در شأن حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) و خادم ایشان فضا نازل شده است. عبادالله از اصل چشمه بهره مند می شوند و ابرار فقط از جامی که از آن چشمه پر شده است. این آیات بیانگر دو مقام متفاوت است: مقربان و ابرار که مقام ابرار نازل تر از مقام مقربان است. چگونگی ناظر بودن آیات این سوره به این دو گروه در خور بحث و بررسی است.

کلید واژه‌ها: سوره انسان، شأن نزول، ابرار، عبادالله.

abbasesmaeely@gmail.com

noha114@gmail.com

۱. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، گروه الهیات، تهران، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد

طرح مسأله

شان نزول آیات «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرُتُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَتْ مِرَاجِحَهَا كَأْفُورًا» (الإنسان، ۵). «وَيُطْعَمُونَ الْطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِمْ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا. إِنَّمَا نُطْعِمُهُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا. إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا قَمَطَرَ يَرَاعِبُونَ» (الإنسان، ۸-۱۰) اهل بیت (ع) دانسته شده است.^۱ در این آیات وفا کنندگان به نذر و اطعام دهندگان به مسکین، یتیم و اسیر، با نام ابرار معرفی شده‌اند و درباره آن می‌توان پرسید که اگر مقام این بزرگواران برابر با مقام ابرار شمرده شود، این مطلب با آیات دیگر قرآن درباره نازل بودن مرتبه ابرار نسبت به مقربان چگونه هم خوانی می‌یابد؟

در آیات سوره مطفین چنین آمده است: «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ. وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ. كِتَابٌ مَرْقُومٌ. يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ. إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ. عَلَى الْأَرْبَابِكِ يَنْظُرُونَ. تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ. يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ. خِتْمُهُمْ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ. وَمِرَاجِحُهُمْ مِنَ التَّنْزِيمِ. عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ» (۱۸-۲۸). بر اساس این آیات مقربان نامه ابرار را در علین مشاهده می‌کنند، و از سرچشمه آنچه ابرار به صورت جرعه می‌نوشند سیراب می‌شوند (طالقانی، ۳/۲۵۵؛ طباطبایی/المیزان، ۲۰/۲۳۵؛ جوادی آملی، تنسیم، ۱۱): اگر ابرار برابر با اهل بیت (ع) هستند مقربان که مقامی بالاتر دارند چه کسانی هستند؟ و آیا این

^۱ اکثراً این آیات را در شأن اهل بیت (علیهم السلام) از جمله حضرت علی (ع)، حضرت زهرا (س)، حسنین (ع) و فضه می‌دانند و از جهت تطبیق، با همه اهل بیت (ع) قابل صدق است، اما از جهت سبب نزول، این آیات در شأن حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) و فضه نازل شده است. در صفحات بعد روایات شأن نزول به تفصیل آورده شده است.

ابرار و سوره انسان با توجه به روایات..... ۹

نشان دهنده نفی فضیلت اهل بیت (ع) است؟

برای پاسخ به این سؤال نخست به بررسی آیات مربوط این بحث و سیاق آن‌ها می‌پردازیم و سپس روایات شأن نزول و تحلیل آن را بیان می‌کنیم.
 آیات مرتبط با این بحث از چند جهت مورد بررسی قرار می‌گیرد:
 - بررسی آیات مربوط به ابرار و عبادالله با توجه به سیاق آیات سوره انسان
 - بررسی آیات مربوط به ابرار در قرآن کریم
 - بررسی آیات مربوط به مقربین و عبادالله در قرآن کریم

مقدمه

شیعیان معتقدند که حضرت حق باری تعالی با بیان های مختلف در حاشیه و کنایه سعی در بیان اثبات اهل بیت (ع) دارد. این مطلب از آیات مهمی استنباط می‌شود که سبب نزول و شأن آن‌ها موضوع اهل بیت (ع) می‌باشد، و از دیرباز مورد توجه خاص و عام بوده است. از جمله این آیات که مورد عنایت ویژه‌ای است آیتی از سوره انسان در شأن حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) و خادم ایشان فضه است.
 برخی باطرح شبههاتی اصل نزول این سوره را در شأن این بزرگواران زیر سؤال برده‌اند و تردیدهایی پیرامون آیات این سوره و شأن نزول آن مطرح نموده‌اند، لذا بزرگان شیعه دغدغه اثبات نزول این سوره در شأن این بزرگواران را داشته‌اند (رک: دنباله مقاله).

اکثر علما در تفاسیر و کتب خود هنگامی که به این آیات می‌رسند سخن از شأن نزول خاص این آیات دارند. از جمله می‌توان از حبری کوفی (د. ۲۸۶ق) در تفسیر خود (ص ۳۲۶)، علی بن ابراهیم (د. ۳۲۹ق) در تفسیر قمی (۲/۳۹۹)، فرات بن ابراهیم (د. ۳۵۲ق) در تفسیر فرات (ص ۵۱۹)، شیخ صدوق (د. ۳۸۱ق) در *امالی* (۲۵۷-۲۶۲)، شیخ طوسی (د. ۴۶۰ق) در *مصباح المتعجد* (ص ۷۶۷) طبرسی (د.

۱۰ صحیفه مبین، شماره ۵۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

۵۴۸ ق) در مجمع البیان (۱۰/۶۱۲)، قطب الدین راوندی (د. ۵۷۳ ق) در الخرائج و الجرائح (۲/۵۳۹-۵۴۰)، ابن شهر آشوب (د. ۵۸۸ ق) در مناقب آل ابی طالب (ع) (۳/۱۴۴-۱۴۵) و دیگران نام برد.

تک‌نگاری‌ها و مقالاتی هم در پاسخ به این ابهام‌ها و شأن نزول آیات هم از نظر سند و هم از نظر محتوا به نگارش در آمده است. از جمله احمد بن محمد عاصمی در کتاب خود با نام العسل المصفی من تهذیب زین القتی فی شرح سورة هل اتی به بررسی سند آن می‌پردازد نزول سورة هل اتی فی أهل بیت المصطفی از سید علی حسینی میلانی که هم از جهت سندی و هم محتوایی به بررسی این سوره پرداخته است. همچنین مقالاتی از پروین بهارزاده، صمد عبداللهی و مهدی جلالی درباره این موضوع منتشر شده است (رک: مآخذ مقاله حاضر).

آیات مربوط به ابرار و عبادالله در سوره انسان

خداوند در ۱۷ آیه از سوره انسان از ویژگی‌های ابرار یاد فرموده و از منزلت آنان، اعمالشان در دنیا و پاداشی که به آنان داده می‌شود سخن گفته است (آیات ۵-۲۲). نخست به سیاق دو آیه اول از این ۱۷ آیه که سخن از منزلت ابرار است، می‌نگریم: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَتْ مِزَاجُهَا كَافُورًا. عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا» (۵-۶) نیکان از جامی نوشند که آمیزه‌ای از کافور دارد، چشمه‌ای که عبادالله از آن می‌نوشند و جاریش می‌کنند.

درباره «عیناً» وجه‌های اعرابی مختلفی بیان شده است. در میان آن‌ها آن چه درست تر می‌نماید این است که «عیناً» بدل از «کافوراً» است و مرتبه «کأس» با «عین» متفاوت خواهد بود و «عیناً» برتر و بالاتر از آن است که گویی چشمه و اصل منبع است (رک: زمخشری، ۴/۶۶۷؛ نیشابوری ۶/۴۱۲).

اسلوب آیات نشان می‌دهد که ابرار تنها از جامی می‌نوشند که مزاج آن

ابرار و سوره انسان با توجه به روایات..... ۱۱

آمیخته با کافور است، اما عبادالله از خود چشمه کافور، از اصل منبع و سرچشمه ناب و خالص آن بهره می برند. از آن چه عبادالله سیراب می شوند ابرار فقط جرعه‌ای می نوشند. پس عبادالله گروهی غیراز ابرار و برتر از آن هایند.

با اسلوبی مشابه، در آیات ۱۷-۱۸ آمده است: «وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِرْجُوحًا زَجْجِيلًا. عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا» در این جا به ابرار شرابی که آمیخته با زنجبیل است نشانده می شود، اما همچنان از خود چشمه‌ای که سلسبیل نام دارد بهره‌ای ندارند، و تفاوتی که این تعبیر با آیات ۵ و ۶ دارد این است که در آن آیات فعل «یشربون» با صیغه معلوم و در این آیات فعل «یُسقون» با صیغه مجهول به کار رفته است.

در آیه ۲۱ نیز «...وَسَقَلْنَهُمْ رَهْمًا شَرَابًا طَهُورًا» آمده است به این معنا که خود خداوند آنان را سیراب می کند و به آنان شراب می نوشاند. در آیات قبلی آب را با واسطه از چشمه می گیرند و در این آیه بدون واسطه، ابتدا اثری از خوف در آنان است -إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا- و آن گاه جز از نعمت، سخنی نیست. پس هر چه پیش می رویم اطلاق، وسعت و لایتنهای بودن بیش از بیش رخ می نماید. بدین ترتیب به نظر می رسد این واژه دارای مراتبی است و به یک مرتبه ختم نمی گردد. به این منظور به بررسی این واژه در آیات قرآن کریم می پردازیم:

ابرار جمع «بر» و در لغت به معنای توسعه دادن (التوسع) آمده است و به این قرار بیابان وسیع را عرب «بر» مقابل بحر یعنی دریا گوید و هر عمل نیکی را بر گوید: گاهی بر نسبت به خدا ذکر شده (انه هو البر الرحيم) و گاهی نسبت به خلق بیان شده است (و برا بوالديه). بر، نسبت به خداوند به معنی ثواب و عطا و احسان است و نسبت به عبد اطاعت و انجام عمل نیک است (راغب، ۱۱۴؛ طریحی، ۲۲۰/۳؛ مصطفوی، ۲۴۹/۱).

۱۲ صحیفه مبین، شماره ۵۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

آیاتی که در تبیین «بر» آمده به اعتباری به چند دسته تقسیم شده است:

۱. آیاتی که ابرار را معرفی و جایگاه آنان را بیان کرده است. سوره انفطار ابرار را چنین توصیف می‌کند: «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ» (الإنفطار، ۱۳) ابرار در ناز و نعمت اند. همین تعبیر در سوره مطففین کامل‌تر بیان شده است: «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ . وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ . كِتَابٌ مَّرْقُومٌ . يُشَهِدُهُ الْقُرْبُورُونَ . إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ . عَلَى الْأَرَآئِكِ يَنْظُرُونَ . تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ . يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ . خِتْمُهُ مِنْسَكٌّ . وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَكَّفِسِ الَّتِي كَانَتْ تُسْقَوْنَ . وَمَرَجَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ . عَمَّا يُشْرَبُونَ بِهَا لُحْمٌ مُقْتَرُونَ» (المطففین، ۱۸-۲۸). کتاب ابرار در علین است که مشهود مقربان است. و ابرار در نعیم، مسرور و نشسته بر تخت‌های بهشتی ناظر دیگران هستند. بنابراین خدای سبحان برای ابرار مقامی بس بلند قائل است؛ از این رو تمنای فرزندگان و اولوالالباب این است که با ابرار بمیرند: «رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا . رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ» (آل عمران، ۱۹۳) که در این صورت با آن‌ها محشور خواهند شد.

۲. آیاتی که به بر و نیکی دعوت و امر کرده و از فجور و عصیان و عدوان که مقابل بر و نیکی است نهی می‌کند؛ مانند «... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ...» (المائدة، ۲). «يَتَأْتِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَنَجَّيْتُمْ فَلَا تَتَنَجَّجُوا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَتَنَجَّجُوا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ...» (المجادلة، ۹).

۳. آیاتی که با بیان معنای بر راه رسیدن به نیکی و مقام ابرار را بازگو می‌کند. جامع‌ترین آیه در این گروه، آیه «* لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوْهُكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ

ابرار و سوره انسان با توجه به روایات..... ۱۲

وَالنَّبِيِّنَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ
وَالسَّابِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْتُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا
عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ
هُمُ الْمُتَّقُونَ» (البقرة، ۱۷۷) است. در این آیه خداوند بر را اعتقاد به خدا، قیامت،
فرشتگان، کتاب های آسمانی و پیامبران و انجام دادن تکالیف عبادی و وظایف
مالی و مسئولیت های اجتماعی و اخلاقی بیان می کند. تعبیر «أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا»
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» در این آیه نشان می دهد که خداوند صدق و تقوای ابرار
را امضا فرموده است و از این رو هر کرامت که برای صادقان و متقیان ذکر شود،
ابرار نیز از آن بهره مندند (جوادی آملی، تسنیم، ۱۲۹/۹-۱۳۵).

در همین آیه عبارت «وَأَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ» شبیه عبارت «وَيُطْعَمُونَ أَلطَّعَامَ
عَلَى حُبِّهِ» در سوره انسان می باشد و در برگشت مرجع ضمیر این دو آیه نظرها
و وجه هایی مختلف ذکر شده است.^۱

مراتب ابرار

با توجه به برگشت ضمیر به مرجع های متفاوت، ابرار دارای مراتب می باشند.
اگر ضمیر به «مال» برگردد یعنی این که با آن که مال محبوب آن هاست و خود
به آن نیازمندند آن را در راه خدا می دهند. آیه «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا
حُبُّونَ»^۲ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (آل عمران، ۹۲) هم بیان کننده
همین مطلب است که فرد گام نخست در راه رسیدن به بر و نیکی، انفاق چیزی
است که مورد علاقه است. لذا آن چه مهم می باشد این است که فرد با انفاق مال

۱. از جمله سید مرتضی در کتاب *امالی* برگشت ضمیر را به «مال»، «من ءامن بالله»، «اینها» و «الله» دانسته است

۱۴ صحیفه مبین، شماره ۵۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

محبوب و خوب در راه خدا، خود را از مال دوستی می‌رهاند و به مقام ابرار راه می‌یابد. اما اگر این ضمیر به «ایتاء مال» برگردد یعنی وی پس از ورود به مقام ابرار، از شر مال دوستی نجات یافته و به مال علاقه ندارد، به اعطا و ایتاء مال در راه خدا علاقه‌مند است و بخشش مال، محبوب اوست. این مرحله مقام متوسط ابرار است که وی از جود و سخا لذت می‌برد و هنوز به آن خلوص محض نرسیده است که فقط خدا را ببیند و اگر ضمیر به «الله» باز گردد نظر به انسان های کاملی دارد که مراحل ابتدایی بر را گذرانده و به مراحل نهایی مقام ابرار رسیده اند و اعطاء مال آن‌ها بر پایه ی حب «خدا» است نه بر اساس حب «مال» و نه دوستی «بخشش مال»، که این آخرین و برترین مقام در اعطا و ایتاء مال و اطعام است. لذا انسانی این چنین، از مقربان است که والاترین مرتبه مقام بر را حائز و برتر از ابرار است. ایشان را بر پایه حب خدا می‌بخشند: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا. إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا» (الإنسان، ۸-۹). لذا؛ ابرار آن گاه که به اوج مقام خود برسند می‌توانند به مقام مقربان باریابند (جوادی آملی، تسنیم، ۹/ ۱۰۸-۱۱۸) این مسأله، بررسی آیات مربوط به مقربان و مقام آن‌ها در قرآن را می‌طلبد.

بررسی آیات مربوط به مقربان و عبادالله در قرآن کریم

در این قسمت آیاتی که در قرآن با لفظ «مقربان» و «عبادالله» به کار رفته است بررسی می‌شود.

در این آیات حضرت مسیح و ملائکه جزء مقربان دانسته شده و به این صفت وصف شده اند. «إِذْ قَالَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ» (آل عمران، ۴۵). «لَنْ يَسْتَنكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلٰٓئِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ» وَمَنْ يَسْتَنكِفْ عَنَّا

اِبرار و سوره انسان با توجه به روایات..... ۱۵

عِبَادَتِهِمْ وَيَسْتَكْبِرُونَ فَسَبِّحْهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا» (النساء، ۱۷۲). ملائکه و حضرت مسیح با عبادت خداوند و بندگی او مقرب درگاه او گردیدند (طباطبایی، المیزان، ۵/ ۱۵۱).

آیاتی که در سوره مبارکه واقعه آمده است، مردم را به سه گروه تقسیم می‌کند. مقربان، اصحاب میمنه (یمین) و اصحاب مشئمه (شمال): «وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً . فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ . وَأَصْحَابُ الْأَشْئِمَةِ . وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ . أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (الواقعه، ۷-۱۱). طباطبایی در رساله الولایة با نظر به سوره واقعه به دسته‌بندی این سه گروه پرداخته است:

۱. گروه اول مقربان هستند؛ انسان‌های تام الاستعدادی که در مقام علم و عمل انقطاع تام دارند و کاملاً دل از عالم ماده کنده‌اند و یقین کامل به معارف الهی دارند و دلبستگی‌شان فقط خداست، این چنین انسانی می‌تواند ماوراء طبیعت را مشاهده نماید و اشراف بر انوار الهی پیدا کند.

۲. گروه دوم انسان‌های تام الايقان و اهل یقین که انقطاع تام از عالم طبیعت ندارند و این به جهت آن است که هنوز تحت تأثیر افکار نادرست و یأس آور و مورد تهاجم بعضی از دلبستگی‌های دنیوی قرار دارند که این امور آن‌ها را از توجه نمودن کامل به ماوراء طبیعت و رهایی کامل از نشئه ماده، ناامید می‌سازد.

۳. گروه سوم کسانی هستند؛ در ظاهر طبیعت که «متاع غرور» است مانده‌اند و راهی به باطن پیدا نکرده‌اند، آنان اصحاب دنیا یا اصحاب مشئمه اند (طباطبایی، رساله الولایة، ۱۶۲). اصحاب شمال در سوره انسان برابر با همان کافران است که در آیه ۴ از آنان یاد می‌فرماید. همچنین آیات ۱۲-۲۰ سوره بلد کسانی را کافر هستند جزء اصحاب مشئمه می‌داند. درباره گروه دوم از راه نیافتن آنان به باطن باطن یاد شده است (رکذ: جوادی آملی، رساله الولایة، ۹۴). ایشان ابرار همان

۱۶ صحیفه مبین، شماره ۵۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

اصحاب یمین دانسته شده اند که در مقام عمل به درجه کامل نرسیده‌اند. اگر ابرار برابر با اصحاب یمین باشد طبق آنچه در سوره واقعه مقام ابرار از مقربان نازل‌تر است. شماری از مفسران نیز گفته‌اند که مراد از ابرار اصحاب یمین هستند که مقامشان از مقربان تا حدی نازل‌تر است (قرشی، ۱۳۹/۱۲؛ ثعالبی ۵/۵۶۵؛ ابن جزئی غرناطی، ۴۶۳/۲؛ ابن عطیه اندلسی، ۴۵۴/۵). نازل بودن مرتبه ابرار نسبت به مقربان از آیات قرآن هم به دست می‌آید. خدای سبحان در آیات ۱۸-۲۱ سوره مطففین فرموده است که مقربان، کتاب مرقوم را که در علیین است مشاهده می‌کنند و از نزدیک آن را می‌نگرند. این تعبیر خود نشان می‌دهد که مقام مقربان از ابرار بالاتر است (طالقانی، ۳/۲۵۵؛ طباطبایی، المیزان، ۲۰/۲۳۵).

در ادامه آیات فوق (۲۲-۲۸) آمده است که ابرار در بهشتند و آن‌ها از رحیق مختوم نوشانده می‌شوند. رحیق مختوم آمیزه‌ای از چشمه تسنیم است که مقربان از آن می‌نوشند. به عبارت دیگر به ابرار فقط جرعه‌ای از آن چشمه نوشانده می‌شود و قدح آنان پر می‌شود، اما مقربان از شراب ناب خالص الهی بهره‌مندند. این معنا به دو نکته دلالت می‌کند: اول این که تسنیم از رحیق مختوم گران‌قدرتر است، چون رحیق مختوم با آمیخته شدن به تسنیم لذت بخش‌تر می‌شود. دوم این که مقربان در درجه بالاتری از ابرار قرار دارند (قرشی، ۱۴۱/۱۲؛ طباطبایی، المیزان، ۲۰/۲۳۹؛ جوادی آملی، تسنیم، ۱۱۶؛ صادقی تهرانی، ۳۰/۲۲۳؛ دشتکی، ۱۳۱؛ اصلاحی، ۱۱۶) این مطلب در روایات هم ذکر شده است: «أشرفُ شرابِ أهل الجنة هو تسنیم، لأنه يشربه المقربون صرفاً، و يمزج لأصحاب الیمین» (طبرسی، ۱۰/۶۹۱).

طبق این روایت نوشیدنی اصحاب یمین ممزوج به چشمه‌ای است که مقربان از آن سیراب می‌شوند. لذا نهرهای بهشتی در فضیلت متفاوتند و برترین آن‌ها تسنیم است و مخصوص والاترین بهشتیان که همانا مقربان‌اند؛ آن‌ها جز به

ابرار و سوره انسان با توجه به روایات..... ۱۷

مشاهده وجه الله مشغول نیستند و اصحاب یمین که نوشیدنی آنان ممزوج و آمیخته است گاه نظرشان به خدای تعالی و گاه به مخلوقاتش است (رازی، ۹۳/۳۱؛ نیشابوری، ۴۶۷/۶).

براساس آن چه گفته شد، می‌توان گفت که نسبت میان ابرار و مقربین، نسبت «عموم و خصوص مطلق» است، یعنی همه مقربان از ابرارند، ولی همه ابرار در سلک مقربان نیستند (مکارم شیرازی، ۲۶/۲۷۹) و مقربان، مرحله عالی مقام ابرار را دارا هستند، زیرا بین آن‌ها فاصله وجودی نیست و عالی‌ترین درجه ابرار نازل‌ترین درجه مقربان است (جوادی آملی، تسنیم، ۱۱۷). همان‌طور که در آیات سوره مطفین دیده شد، در این سیاق، سخن از یک مقام نیست. فعل مجهول یُسْقَوْنَ در «يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ» نشان می‌دهد که ابرار از دست دیگری می‌نوشند.

در سوره انسان هم فراخور مقامات ابرار و نوع مشروب، شرب آن هم به خودشان نسبت داده شده: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ» (الإنسان، ۵) و هم به ساقی مجهول آمده «وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِرْجَاهَا زَنْجَبِيلًا» (الإنسان، ۱۷) و در آخرین مرتبه نسبت به رب داده شده است «... وَسَقَنَهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» (الإنسان، ۲۱) لذا در آیه «يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ» و آن آیه سوره انسان که فعل آن مجهول آمده است، گویا اشاره‌ای به مرتبه‌ای از مقام ابرار دارد که هنوز به مقام عالی قرب و شهود نرسیده‌اند. در این مقام هنوز رخ ساقی و سرچشمه آن رحیق نمایان نیست. آن چه در می‌یابند از ماوراء حجاب و در ظرف محدود «کأس» است و مزاج زنجبیلی است و هنگامی که از همه تعلقات وارهند، به سرچشمه می‌رسند و از فیض رب سیراب می‌شوند. لذا ابرار به دست دیگری و در ظرف در بسته از رحیق ممزوج نوشانده شوند و مقربان از سرچشمه خالص خود می‌نوشند (طالقانی، ۲۵۸/۳-۲۶۰).

۱۸ صحیفه مبین، شماره ۵۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

آیات ۲۷ و ۲۸ سوره مطففین «وَمَزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ . عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُمَرُّونَ» از نظر اسلوب شبیه آیات ۵ و ۶ سوره انسان است: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ نَأْسٍ كَانَتْ مِزَاجُهَا كَافُورًا . عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا» (قرشی ۱۲ / ۱۴۰) اگر میان آیات این دو سوره تطبیق به عمل آید، نکته های ظریفی به دست می آید (طباطبایی، المیزان، ۴۳۰/۱). از طریق تطبیق آیات سوره های انسان و مطففین، برتر بودن مقام عبادالله را نسبت به ابرار بیان می کند و از طریق آیات سوره های واقعه و حجر، «عبادالله» را در سوره انسان را همان مقربان درگاه الهی می داند، کسانی که جزء مخلصین اند و شیطان بر آن ها تسلط پیدا نمی کند.

بنابر آنچه از سیاق آیات سوره انسان و آیات دیگر قرآن به دست می آید، آیات سوره انسان درباره ابرار می پردازد، ناظر بر یک مقام و گروه نمی باشد. مفاد آیات هم سو و هم جهت نیستند، و ناظر به دو گروه مقربان و ابرار است. روایات شأن نزول آیات سوره انسان، هم در کتب شیعه و هم در کتب اهل سنت به چشم می خورد. لیکن درباره تقسیم بندی روایات، می توان پرسش را طرح کرد که فضا در این واقعه حضور داشته است یا خیر و این آیات در شأن او نیز نازل شده است یا خیر؟ از این دید، روایات به دو دسته تقسیم می گردند:

در گروهی از روایات فضا نام برده نشده است.

در تفسیر مقاتل بن سلیمان، شأن نزول آیه، هم برای شخصی به نام ابودحداح آمده است و هم برای حضرت امیر(ع): «نزلت فی أبی الدحداح الأنصاری و یقال فی علی بن اَبی طالب» (۳ / ۴۲۸).

ابو جعفر اسکافی به ذکر خصوصیات حضرت امیر(ع) در آیات می پردازد و بیان می کند که این سوره برای ایشان و همسر و فرزندان شان نازل شده است:

ابرار و سوره انسان با توجه به روایات..... ۱۹

«وهو الذى أطعمَ الطعامَ على حبه مسكيناً و يتيماً و أسيراً، فنزلت فيه وفى زوجته و ابنيه سورةً كاملةً من القرآن (وهى سورة الدهر)» (اسكافى، ۷۳ - ۷۷).

در کتاب *خصال*، حضرت امیر (ع) در برابر ابوبکر چهل و سه دلیل برای حقانیت خود اقامه می‌کند، از جمله چنین آمده است: «حدثنا أحمد بن الحسن القطان . قال حدثنا أبو سعيد الوراق عن أبيه عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جده: قال فأنشدك بالله أنا صاحبُ الآيةِ «يُوفُونَ بِالْأَنْذَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا» أم أنت» (ابن بابویه، *الخصال*، ۵۴۹/۲).

در تفسیر قمی نیز این بیان شده است: «كان عندَ فاطمةَ (س) شعيرٌ فجعلوهُ عصيداً... فقالَ اليتيمُ رحمكم اللهُ أطعمونا مما رزقكم اللهُ، فقام على (ع) فأعطاهُ... فقام على (ع) فأعطاهُ الثلثَ الباقي، و ما ذاقوها فأنزل اللهُ فيهم هذه الآيةَ إلى قوله «وَكَانَ سَعْيِكُمْ مَشْكُورًا» فى أمير المؤمنين(ع) و هى جاريةٌ فى كلِّ مؤمنٍ فَعَلَّ مثلَ ذلكَ لله عزَّ و جلَّ.» (۲/ ۳۹۹)

در کتاب تفسیر فرات کوفی با نقل‌های متعدد این آیه را در شأن اهل بیت (ع) می‌داند که یکی از آن‌ها را بیان می‌کنیم: ...نزلت فى على و فاطمةَ أصحبا و عندهم ثلاثةُ أرغفةٍ فأطعموا مسكيناً و يتيماً و أسيراً فباتوا جيعاً فنزلت فيهم هذه الآيةُ...» (ص ۵۱۹).

سمرقندی در تفسیر خود (۵۰۴/۳)، محمد بن سلیمان کوفی در کتاب *مناقب امیرالمؤمنین* (محمد بن سلیمان، ۵۸/۱ - ۵۹)، واحدی در *اسباب النزول* (۲۹۶ - ۲۹۷)، ابن مردویه اصفهانی در کتاب *مناقب* (۳۴۲ - ۳۴۵)، قطب الدین راوندی در کتاب *الخراج و الجرائح* (۵۳۹/۲ - ۵۴۰) همین ماجرا را با نقل معنای متفاوت جزئی بیان کرده اند.

شیخ طوسی هم این سوره را در شأن اهل بیت (ع) می‌داند و روز نزول این سوره را، در بیست و پنجم ذی الحجه بیان می‌کند (طوسی، ۷۶۷).

۲۰ صحیفه مبین، شماره ۵۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

در کتاب *المزار*، زیارتی برای حضرت امیر (ع) در روز غدیر بیان شده که در آن زیارت چنین آمده است: ... یا امیر المؤمنین ... أنتَ مطعمُ الطعامِ علی حبسه مسکیناً ویتیمأً وأسیراً لوجه الله لا نريدُ منهم جزاءً ولا شكوراً، وَفِيكَ انزَلَ اللهُ تَعَالَى: وَیُؤْتِرُونَ عَلَیْ أَنْفُسِهِمْ» (حشر، ۹؛ ابن مشهدی، ۲۶۳-۲۷۲).

دسته دوم روایاتی است که به غیر از اهل بیت (ع) از فضه، خادم آن حضرت (س) هم یاد می‌کند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

ابن بابویه در مجلس چهل و چهارم از *مالی* خود چنین آورده است: «... وَ کَذَلِکَ قَالَتْ فَاطِمَةُ (س) وَ قَالَ الصَّيَّانُ وَ نَحْنُ أَيْضاً نَصُومُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ کَذَلِکَ قَالَتْ جَارِيَتُهُمْ فَضَّةٌ فَالَيْسَهُمَا اللهُ عَاقِبَةً فَاصْبِحُوا صِيَاماً ... (الْمَالِ، ۲۵۷-۲۶۲).

در تفسیر *فرائد کوفی* با دو سند چنین آمده است: ۱. «... فَقَالَ عُمَرُ لَعَلِي يَا أَبَا الْحَسَنِ إِن نَذَرْتَ لِلَّهِ نَذْرًا وَاجِبًا فَإِنْ كَلَّ نَذَرَ لَا يَكُونُ لِلَّهِ فَيْلِسٌ مِنْهُ وَفَاءٌ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ إِنْ عَاقَى اللهُ وَلَدِي مِمَّا بِهِمَا صَمْتُ لِلَّهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مُتَوَالِيَاتٍ وَ قَالَتْ فَاطِمَةُ مِثْلَ مَقَالَةِ عَلِيٍّ وَ كَانَتْ لَهُمْ جَارِيَةٌ نُوبِيَّةٌ تُدْعَى فَضَّةً قَالَتْ إِنْ عَاقَى اللهُ سَيْدِي بِمَا بِهِمَا صَمْتُ لِلَّهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ...» ۲. «... قَالَ نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) وَ زَوْجَتِهِ فَاطِمَةَ وَ جَارِيَةَ لِهَمَا وَ ... ثُمَّ جَاءَ أُسَيْرٌ مِنْ أُسْرَاءِ أَهْلِ الشَّرْكِ فِي أَيْدِي الْمُسْلِمِينَ يَسْتَطْعِمُ فَأَمَرَ عَلِيُّ السُّودَاءَ خَادِمَهُمْ فَأَعْطَتْهُ صَاعَهَا فَنَزَلَتْ فِيهِمُ الْآيَةُ «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَيَّ حَبِيءٍ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا . إِنَّمَا نُطْعِمُكَ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكَ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا» (الإنسان، ۸ - ۹) (ص ۵۲۰).

احمد بن محمد عاصمی در کتابش با نام *العسل المصفي من تهذيب* (۶۰/۱) ابن بطریق در *خصائص وحي المبین* (۱۷۵ - ۱۸۰)، قرطبی در *جامع الأحكام* (۱۳۰/۲۰) و زمخشری در *الكشاف* (۶۷۰/۴) در بحث شأن نزول این سوره از فضه در این ماجرا یاد می‌کنند.

ابزار و سوره انسان با توجه به روایات..... ۲۱

حاکم حسکانی سندهای متعددی آورده است. ما یکی از آن ها که روایتی است از حضرت امیر(ع) بیان می کنیم: «...: یا أبا الحسن لو نذرتَ علی ولدیکَ لله نذراً أرجو أن ینفعهما اللهُ به، فقلتُ: علی لله نذرٌ لئن برأ حبیبای من مرضهما لأصومنَّ ثلاثةَ أيامٍ فقالت فاطمةُ: وَ علی لله نذرٌ لئن برأ وکدای من مرضهما لأصومنَّ ثلاثةَ أيامٍ، وَ قالت جاریتهم فضةُ: وَ علی لله نذرٌ لئن برأ سیدای من مرضهما لأصومنَّ ثلاثةَ أيامٍ...» (۴۱۸-۳۹۴/۲).

ابن شهر آشوب در مناقب آل ابی طالب (۳/ ۱۵۱-۱۵۲) و خوارزمی در مناقب (خوارزمی، ۲۶۷-۲۶۸) هم از حضور حضرت فضا در این واقعه خبر می دهد و این که ایشان هم با آن ها نذر کرده و روزه گرفتند و طعام خود را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند.

در کتاب *اسد الغابة* که به معرفی صحابه پیامبر و یاران نزدیک ایشان پرداخته است وقتی به نام فضا می رسد همین جریان را نقل می کند: «... فقال علیُّ إن برأ مما بهما صمتُ لله عزوجلَّ ثلاثةَ أيامٍ شکرًا وَ قالت فاطمةُ كذلك وَ قالت جاریةُ یقال لها فضا نوبیةٌ ان برأ سیدای صمتُ لله عزوجلَّ شکرًا فألبس الغلامان العافیةَ وَ لیسَ عندَ آل محمدٍ قلیل ولا... وَ مکتوا ثلاثةَ أيامٍ و لیالیها لم یدوقوا الا الماءَ فأتاهم رسولُ اللهُ صلی الله علیه وسلم فرأی ما بهم من الجوعِ فَأَنْزَلَ اللهُ تَعَالَى هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ...» (ابن اثیر، ۵/ ۵۲۹-۵۳۰).

تحلیل روایات شأن نزول

روایات دسته اول به چندگونه بیان شده اند:

۱. برخی از روایات فضیلت امام علی (ع) را بیان می دارند و به طور خاص در مقام بیان شأن نزول آیات به طور تخصصی نمی باشند، برای نمونه در کتاب *خصال* آمده است که حضرت علی (ع) در احتجاج با ابوبکر به دفاع از خود می پردازد و

۲۲ صحیفه مبین، شماره ۵۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

خود را مصداق این آیه می‌داند. روایتی که در کتاب *المزار* آمده است، نیز همین‌گونه است. زیارت روز غدیر به توصیف امام می‌پردازد، از جمله این‌که شما همان کسی بودید که طعام خود را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدید.

۲. برخی از تفاسیر مانند *تفسیر مقاتل* این آیه را در شأن ابودحداح نیز معرفی نموده‌اند که برای این مسأله دلیل روایی و قرآنی و تاریخی در اختیار نداریم.

۳. برخی از تفاسیر تنها به بیان شأن نزول پرداخته‌اند، و به شرح کامل واقعه نپرداخته‌اند، بلکه به اختصار از آن سخن گفته‌اند. مانند *تفسیر قمی*، *اسباب النزول* واحدی، *المعیار و الموازنة* و...

در این گروه از روایات نامی از فضا دیده نمی‌شود.

روایات دسته دوم به تفصیل به شرح واقعه پرداخته‌اند. منابع این روایات چنان که گذشت عبارتند از: *أمالی صدوق*، دو روایت از *تفسیر فرات کوفی*، *مناقب آل اُبی طالب*، روایت امیرمؤمنان که حاکم حسکانی بیان داشته است و از حضور فضا در این جریان و شرکت ایشان با اهل بیت (ع) برنذر کردن و گرفتن روزه یاد می‌کنند.

هر چند به دلیل نقل به معنا، تفاوت‌های جزئی در این روایات دیده می‌شود اما کلیت رویداد در این روایات یکسان می‌باشد.

تفاوت‌های جزئی از جمله این که نذر آن‌ها در یک روز بوده است یا در سه روز، قرض گرفتن حضرت علی (ع) از شمعون یهودی برای تهیه غذا که در برخی روایات ذکر شده است، آیا پیشنهاد دهنده نذر، از طرف حضرت رسول بوده یا عمر و یا این که حسن و حسین (ع) هم در این نذر و روزه شرکت داشته‌اند یا نه، موضوعاتی است که در برخی روایات آمده و در برخی به گونه‌ای دیگر بیان شده

ابرار و سوره انسان با توجه به روایات..... ۲۳

است لیکن در پژوهش‌های قبلی به بررسی این موضوع و نقد آن پرداخته شده است.^۱ براساس آنچه از تحلیل روایات به دست می‌آید، فضه هم جز نذر کنندگان و اطعام دهندگان است. بدین معنا که این آیات در شأن حضرت امیر (ع) و حضرت زهرا (س) و فضه خادم آن حضرت نازل شده است و این با ظاهر آیات سازگارتر است.

نتیجه

نزول آیات سوره انسان در شأن اهل بیت (ع) مسأله‌ای است اثبات شده که از دیرباز مورد توجه و اهمیت بوده و هست، و تفاسیر و کتب زیادی به آن پرداخته‌اند. بی تردید بیان صفت ابرار در قرآن منقصتی برای این بزرگواران نمی‌باشد، چرا که آیات این سوره فقط ناظر به بیان مقام ابرار نمی‌باشد و از گروه دیگری به نام عبدالله هم سخن به میان آمده است. لذا مقام عبدالله ناظر به ایشان است که براساس آیات سوره واقعه که مردم را به سه دسته تقسیم می‌کند، مقربان برترین گروه‌اند. عبدالله در این سوره، همان مقربان و عباد حقیقی‌اند که بدون واسطه از خود چشمه سیراب می‌شوند، لذا آیات سوره انسان به گونه‌ای دو سویه پیش رفته است. سخن از ابرار می‌تواند ناظر به امثال فضه نیز باشد و جایی که مقام عبدالله است ناظر به حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) می‌باشد. البته این نکته قابل ذکر است که مقربان می‌توانند دارای مرتبه ابرار هم باشند، زیرا واجد مراحل بالاتر، مرحله پایین تر را نیز گذرانده است و حتماً آن را داراست.

منابع

علاوه بر قرآن کریم؛

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت، دارالکتب العربی، [بی تا].

۱. از جمله مراجعه کنید به مقاله «بررسی روایات وارده در فضیلت اهل بیت (ع) در سوره انسان»، صمد عبدالهی عابد، *علوم حدیث*، ش ۵۶.

- ۲۴ صحیفه مبین، شماره ۵۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۰
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *الأمالی*، ترجمه کمره ای، انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ش، [بی جا].
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *الخصال*، قم، ۱۴۰۳ق.
۴. ابن بطریق، یحیی بن حسن، *خصائص الوحي المبين*، به کوشش مالک محمودی، قم، ۱۴۱۷ق.
۵. ابن جزی غرناطی، محمد، *کتاب التسهیل لعلوم التنزیل*، به کوشش عبدالله خالدی، بیروت، ۱۴۱۶ق.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابي طالب*، نجف اشرف، ۱۳۷۶ق.
۷. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، به کوشش عبدالسلام عبدالشافی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۸. ابن مشهدی، *المزار الکبیر*، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم، ۱۴۱۹ق.
۹. اسکافی، ابوجعفر، *المعیار والموازنة*، به کوشش محمد باقر محمودی، ۱۴۰۲ق، [بی جا].
۱۰. اصلاحی، امین احسن، *تدبر قرآن*، دهلی، ۱۳۱۵ق.
۱۱. امین، نصرت، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران، ۱۳۶۱ش.
۱۲. امینی، عبدالحسین، *التفہیر فی الکتاب و السنة و الأدب*، بیروت، ۱۳۹۷ق.
۱۳. ثعالبی، عبدالرحمان، *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم: تفسیر قرآن کریم*، قم، ۱۳۸۵ش.
۱۵. همو، «شرحی بر رساله الولاية»، *میراث جاویدان*، سال دوم، ش ۶.
۱۶. حبری، ابو عبدالله کوفی، *تفسیر*، به کوشش محمدرضا حسینی، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۱۷. حسکانی، عبیدالله، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل من الآيات النازله فی اهل البيت*، به کوشش محمد باقر محمودی، تهران، ۱۴۱۱ق.
۱۸. حسینی میلانی، علی، *تشہید المراجعات و تفہید المکابرات*، قم، ۱۴۲۷ق.
۱۹. درویش، محیی الدین، *اعراب القرآن و بیانہ*، سوریه، ۱۴۱۵ق.
۲۰. دشتکی شیرازی، منصور، *تحفة الفتی فی تفسیر سورة هل ائی*، به کوشش پروین بهارزاده، تهران، ۱۳۸۱ش.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۲۲. رافعی، مصطفی صادق، *اعجاز قرآن و بلاغت محمد*، تهران، ۱۳۶۰ش.
۲۳. رستگار جویباری، یعسوب الدین، *البصائر*، قم، ۱۴۰۲ق.
۲۴. زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التاویل*، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۲۵. سبط ابن جوزی، *تذکره الخواص*، تهران، مکتبه نبوی الحدیثه، [بی تا].
۲۶. سمرقندی، نصر بن محمد، *تفسیر*، به کوشش محمود مطرجی، بیروت، دارالفکر، [بی تا].
۲۷. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، ۱۳۶۵ش.

ابزار و سوره انسان با توجه به روایات..... ۲۵

۲۸. طالقانی، محمود، *پرتوی از قرآن*، تهران، ۱۳۶۲ش.
۲۹. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، ۱۴۱۷ق.
۳۰. همو، *رسالة الولاية*، تهران، ۱۳۶۰ق.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ۱۳۷۲ش.
۳۲. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، به کوشش سید احمد حسینی، تهران، ۱۳۷۵ش.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن، *مصباح المتجهد*، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۳۴. عاصمی، احمد بن محمد، *العسل المصنفي من تهذيب زين الفتى في شرح سورة هل أتى*، به کوشش محمد باقر محمودی، قم، ۱۴۱۸ق.
۳۵. عبد اللهی عابد، صمد، «بررسی روایات وارده در فضیلت اهل بیت (ع) در سوره انسان»، *علوم حدیث*، سال سیزدهم، ش ۴۹-۵۰.
۳۶. قرشی، علی اکبر، *أحسن الحديث*، تهران، ۱۳۷۷ش.
۳۷. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ۱۳۶۴ش.
۳۸. قطب راوندی، *الخرائج والجرائح*، به کوشش محمد باقر موحد أبطحی، قم، ۱۴۰۹ق.
۳۹. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر*، به کوشش سید طیب موسوی جزایری، قم، ۱۳۶۷ش.
۴۰. کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر الفرات*، به کوشش محمد کاظم محمودی، تهران، ۱۴۱۰ق.
۴۱. کوفی، محمد بن سلیمان، *مناقب الإمام أميرالمؤمنین علي بن أبي طالب عليه السلام*، به کوشش محمد باقر محمودی، قم، ۱۴۱۲ق.
۴۲. مرتضی، علی بن الحسین، *أمالی*، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، ۱۴۲۹ق.
۴۳. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، ۱۳۶۰ش.
۴۴. معرفت، محمد هادی، *علوم قرآنی*، قم، ۱۳۸۸ش.
۴۵. مقاتل بن سلیمان، *تفسیر*، به کوشش احمد فرید، بیروت، ۱۴۲۴ق.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، ۱۳۷۴ش.
۴۷. نیشابوری نظام الدین، *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، به کوشش شیخ زکریا عمیرات، بیروت، ۱۴۱۶ق.
۴۸. واحدی، علی بن احمد، *أسباب النزول*، دار الباز للنشر والتوزيع، ۱۳۸۸ق، [بی جا].



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی